

متن پرسش

سلام استاد: سوالی که همواره از اوایل طلبگی با من بود این است که: منی که اوایل ورود به حوزه اصلا نه می دانستم سیر و سلوک چیست، نه می دانستم محکم کردن عقاید چیست، نه مطالعه خاصی داشتم، نه چطور می شود که وقتی وارد حوزه شدم آنچنان شور و نشاط و بسط روحی به من دست داده بود که تا شش ماه نماز شب و صبحم را با حال بسیار عالی در حرم حضرت عبدالعظیم می خواندم، (حوزه ام کنار حرم بود). چطور چنین چیزی پیش آمد؟ و چطور شد که با محکم کردن عقاید و مطالعات روز به روز دیدم و معرفتم بالاتر رفت و چنین حالاتی در من کم و کمتر شد، قطع نشد، ولی خیلی کم شد، آیا رابطه ای میان این قضایا هست؟ می شود بفرمایید که چرا من در حال و هوای اول طلبگی ام نمانده ام؟ چه کنم برگردم به آن حال و هوا؟ نمی دانم آن حالات شاید توهمی بود، ولی در هر صورت وقتی یادش هم می افتم اشکم جاری می شود و احساس پسرفت می کنم.

التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: فرمود: «چه عشق آسان نمود اول، ولی افتاد مشکلها» از همین طریقه‌ها صبر ما را آزمایش می‌کنند. اگر اول ندهند، که طلبمان ظهور نمی‌کند؛ و اگر نگیرند، که صبرمان و پشتکارمان، ظهور نمی‌نماید. موفق باشید